مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۱۶ ، تابستان ۱۳۹۸جلد۱، ص ۱۷۴-۱۶۷
http://www.jase.ir

یک نگاره از دو نگارنده

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۱۷۴-۱۶۷

احمد ذاکری[۱]، محمد صادقی [۲]، اسد صفری بندپی [۳]
[۱] دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی،عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
[۲] عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر.
[۳]عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

نویسنده مسئول:
احمد ذاکری

چکیده

یکی از نهاده‌های مورد توجه در ادبیات امروز پژوهش‌های میان رشته‌ای است.این‌گونه جستار و بررسی‌های ادبی پرده از چهره‌ی دگرگونی‌های هنری – ادبی، نگاره(تابلو شعر) به ویژه آن‌ها که در قلّه‌های هنر ایستاده‌اند برمی‌گیرد و توانایی‌های هنری آفرینندگان آن‌ها را آشکار می‌نماید.

یکی از این نگاره‌های هنری صحنه‌ی «آبتنی» «شیرین» در منظومه‌ی خسرو شیرین نظامی و دیگری مربوط می‌شود به «آبتنی»فروغ فرخزاد در مجموعه شعر «دیوار» او.هر یک از این نگاره‌ها آب و رنگ و دستمایه‌ی هنری روزگار خود را دارد.این گفتار می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی چگونگی دگرگونی‌ها در این نگاره را پی‌گیری کند.

کلید واژگان:نگاره،میان رشته‌ای،آبتنی،نظامی گنجه‌ای،فروغ فرخزاد.

۱-۱درآمد

فَبَشِّر عبادی الَذّینَ یَستَمِعُونَ القَولَ و یَتَّبِعُونَ اَحسَنَهُ.(الزُّمَر:۱۸)

(پس به بندگان من مژده بده!کسانی که گفتار می‌شنوند آنگاه از بهترین آن پیروی می‌کنند.)

یکی از شاخه‌های پژوهش ادبی در روزگار پیشرفت دانش زبان‌شناسی و ادبیات،بررسی و تحقیقات میان رشته‌ای یا «بینامتنیت» به‌شمار می‌آید.در گذشته‌ی ادبی گاه از این رشته پژوهش‌ها با نام «سرقات ادبی»نام برده‌اند ، به ویژه«اقتباس» و برگرفتن موضوع و الگوهای ادبی و زبانی از دیگر متن‌های ادبی – هنری را زیرمجموعه‌ی این رشته دانسته‌اند.

پژوهش میان رشته‌ای می‌تواند در موضوع و زبان شکل بگیرد،اگر در موضوع باشد واژه‌ی «دگردیسی=اقتباس»برای آن مناسب خواهد بود و اگر در زبان انجام پذیرد اصطلاح «وام‌گیری=بینامتنیت= انتحال» را به آن داده‌اند.اما آنچه در این مقاله خواهد آمد «نگاره»یا«تابلو شعر»ی درباره«آبتنی» دو زن از سخنور برجسته و توانای زبان فارسی یعنی نظامی گنجه‌ای و سراینده‌ای پرشور در روزگار معاصر ادبیات فارسی،فروغ فرخزاد است که هر دو نگاره از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است با این تفاوت که هیچگونه اقتباس و گرته‌برداری یا بینامتنیت در آنها رخ نداده است و همین امر هر دو نگاره‌ی ادبی- هنری را برجسته و تازه می‌نمایاند اما می توان این دو تابلو شعر را زیر مجموعه‌ی پژوهش میان رشته‌ای قرار داد زیرا هر دو در یک موضوع نگاشته شده‌اند با این تفاوت که یکی مربوط به سده ششم هجری و دیگری مربوط به سده‌ی چهاردهم شمسی است.

پژوهش در این دو نگاره،نشان می‌دهد که فرهنگ روزگار دو سراینده با هم بسیار متفاوت است و آبشخور این دو تابلو شعر با هم سازگاری ندارد به ویژه که یکی از آنها راوی دیگران و خود مردی پای‌بند فرهنگ روزگار خود و دیگری زنی متجدّد و آشنا با فرهنگ غرب و حتی متاثر از آن می‌باشد و راوی دل خویشتن است.هر دو نگارنده نوآور و هر دو تابلو شعر از آثار ماندگار هنری به‌شمار می‌آید.البته که به فرموده‌ی فردوسی بزرگ: زمانه نشسته پی داوری است.

۲-۱روش تحقیق:

همان‌گونه که در چکیده اشاره رفت،روش پژوهش در متون ادبی ناگزیر از شیوه تفصیلی- تحلیلی یعنی کتابخانه‌ای خواهد بود.زیرا باید برای مقایسه‌ی همسویی‌ها و تحلیل و داوری دو متن میان رشته‌ای ،آنها را مورد مطالعه قرار داد و یادداشت برداشت از آنچه مورد نظر پژوهشگر می‌باشد.

۳-۱پیشینه‌ی تحقیق:در میان آثار برجسته‌ی ادبی- هنری زبان فارسی می‌توان نمونه‌های فراوانی از موضوعات میان رشته‌ای و متاثر یکی از دیگری را پیدا کرد . برای نمونه :«اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل» را مولانا جلال‌الدین در مثنوی تحت تاثیر پیر بزرگ خود سنایی غزنوی در حدیقه‌الحقیقه سروده است.با این تفاوت که یکی در بحر خفیف و دیگری در بحر رمل وزن پذیرفته،وگرنه هر دو تابلو شعر درباره‌ی یک موضوع و نگاره‌ی دوم مقتبس از نگاره‌ی نخست می‌باشد.

دانسته است که هسته‌ی اصلی این داستان نیز برگرفته از «مقابسات» ابوحیّان توحیدی بوده که بعدها از «احیاءُ علوم‌الدین» و «کیمیای سعادت»غزالی سردرآورد و دست‌مایه‌ی سنایی غزنوی می شود.و از این جنس است داستان سیمرغ عطار در منطق‌الطیّر و قصّه بازرگان با طوطی هندوستان و...اما نگارندگان این گفتار چیزی به عنوان پیشینه‌ی تحقیق درباره‌ی نگاره‌ی«آبتنی»نظامی گنجه‌ای و فروغ فرخزاد نیافتند.

۲-مبانی نظری تحقیق:

۲-۱«تحقیقات میان رشته‌ای»در اصطلاح به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که در درون یک رشته‌ی خاص میان دو متن رخ می‌دهد.
پژوهش‌های میان رشته‌ای می‌تواند در شاخه‌هایی به شرح زیر شکل بگیرد:

الف)در زبان متن،یعنی یک متن پاره‌ای از واژگان و ترکیبات زبانی خود را از متن دیگر گرفته باشد.به این نوع از روابط دو متن،(وام-گیری)،(بینامتنیت)،(انتحال)و در صورت غیرارادی بودن (توارد)گفته‌اند.زبان‌شناسان بر این باورند که«متن نظامی بسته و مستقل و خودبسنده نیست بلکه پیوندی دو سویه و تنگاتنگ با متون دیگر دارد»(مکاریک،۷۲:۱۳۹۳)

ب)ارتباط در موضوع دو یا چند متن،یعنی مشابهت موضوع چند متن که خود دو نوع می‌تواند باشد:نخست،آنکه هسته‌ی متن از متنی دیگر گرفته شده و گسترش یافته باشد.به این نوع از رابطه‌ی دو متن «دگردیسی»یا«اقتباس»می‌گوییم.دوم،اگر چنانچه بیشتر مطالب دو متن،مشابه هم باشند مانند برخی منظومه‌ها که دارای یک موضوع واحد هستند مانند(خسرو شیرین نظامی)و(شیرین و خسرو)امیرخسرو دهلوی،یا متن دو کتاب همچون (مرزبان نامه)وراوینی و (روضهٔ العقول)محمد غازی ملطیوی. به این نوع از متون «نظیره پردازی»و «استقبال»گفته می‌شود.(ر.ک،صناعات ادبی،همایی).

سوم،نوع دیگر از پژوهش میان رشته‌ای مربوط به دو متن می‌باشد که دارای یک موضوع بوده،ولی هیچگاه چه در زبان و چه در موضوع متاثر از یک دیگر نیست مانند آنچه در نمایه یا تابلو شعر«آبتنی» در خسرو شیرین نظامی گنجه‌ای و فروغ فرخزاد که موضوع پژوهش این مقاله خواهد بود آمده است.در این نوع از ارتباط میان‌رشته‌ای،نوآوری و تازگی متن ،نمایشی خوش‌تر خواهد داشت.

نکته‌ی شایان توجّه آنکه ارتباط میان رشته‌ای ممکن است میان دو متن هم‌زمان یا دو متن با تقدم زمانی یکی و تأخّر دیگری باشد.

برای ارتباط دو متن بجز آنچه پیش‌تر گفته شد انواع دیگر همچون «اقتراح»،«مطروحه»و...وجود دارد.

۲-۲نظامی گنجه‌ای و «منظومه خسرو شیرین»او

الیاس بن یوسف نامور به نظامی گنجه‌ای (۵۳۰-۶۱۴ه.ق)یکی از ارکان شعر فارسی است که در گنجه زاده شد و در همان‌جا دفن گردید.مثنوی پنج گنج یا خمسه نظامی از اوست که به ترتیب عبارتند از:۱-مخزن الاسرار،۲-خسروشیرین،۳-لیلی و مجنون،۴-بهرام نامه یا هفت پیکر گنبد۵-اسکندرنامه.

خسروشیرین داستان عشق بازی‌های خسرو پرویز پادشاه ساسانی با شیرین دختر ارمنی است پیش‌تر در آثاری همچون:المحاسن و الاضداد جاحظ،غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی و شاهنامه‌ی فردوسی نقل گردیده‌است.

خسروشیرین در ۶۵۰۰ بیت به بحر رمل مسدّس محذوف و مقصور سروده شده و شاهکار منظومه‌های غنایی در ادبیات فارسی به حساب می‌آید تا آنجا که مورد نظیره‌پردازی و تقلید سرایندگانی همچون:امیرخسرو دهلوی،خواجوی کرمانی،عبدالرحمن جامی،وحشی بافقی قرار گرفته‌است.نظامی در سرودن این اثر برجسته،«آفاق»همسر قفچاقی خود را در پاره‌ای از صحنه‌های داستان مورد نظر داشته‌است.

۲-۳-فروغ فرخزاد و مجموعه شعر«دیوار»او

فروغ فرخزاد(۱۳۱۳-۱۳۴۵)خورشیدی در تهران به جهان دیده گشود و در همان‌جا چشم از جهان فروبست.آثار او عبارت از مجموعه شعرهایی با عناوین :«اسیر»سال۱۳۳۰،«دیوار»سال ۱۳۳۵،«عصیان»۱۳۳۶ و «تولدی دیگر»۱۳۴۲ انتشار یافت.(مرادی کوچی،۱۳۷۹: ۱۸و۴۹و۵۲۴).برترین اثر او «تولدی دیگر» است که در دوره‌ی دوم شاعری فروغ فرخزاد سروده شده و به گفته‌ی شفیعی کدکنی :«بی-هیچ گمان تاریخ ادبیات ایران او را به عنوان بزرگترین زن شاعر در طول تاریخ هزارساله خویش خواهد پذیرفت»(۱۳۹۰: ۵۶۴).

منتقدی دیگر درباره او می‌گوید:«فروغ در تولدی دیگر ،شاعری خود بازیافته و اندیشمند در سطح جهانی است که شعر از او می‌جوشد و سرریز می‌کند.»(حقوقی،محمد،۱۳۶۸: ۳۹۶)

فروغ فرخزاد پس از گرفتن دیپلم به انگلستان رفت و در مدرسه‌ی هنر در رشته‌ی نقاشی تحصیل کرد.او در همین‌جا بود که با فرهنگ غربی و جریان تساوی خواهی زنان«فمنیست»آشنا گردید.

۳-بحث و ادبیات

۱-۳دیدن خسرو شیرین را در چشمه‌سار

عروسی دید چون ماهی مهیّا — که باشد جای آن مه بر ثریّا
نه ماه آیینه‌ی سیماب داده — چو ماه نخشب از سیماب زاده
در آب نیلگون چون گل نشسته — پرندی نیلگون تا ناف بسته
همه چشمه ز جسم آن گل‌اندام — گل بادام و در گل مغز بادام
ز هر سو شاخ گیسو شانه می‌کرد — بنفشه برسر گل دانه می‌کرد
نهان با شاه می‌گفت از بناگوش — که مولای توام هان حلقه در گوش
چو گنجی بود گنجش کیمیاسنج — به بازی زلف او چون مار بر گنج
کلید از دست بستانبان فتاده — ز بستان نار پستان درگشاده
دلی کان نار شیرین کار دیده — ز حسرت گشته چون نار کفیده
بدان چشمه که جای ماه گشته — عجب بین کافتاب از راه گشته
چو بر فرق آب می‌انداخت از دست — فلک بر ماه مروارید می بست
تنش چون کوه برفین تاب می‌داد — ز حسرت شاه را برفاب می‌داد
شه از دیدار آن بلور دلکش — شده خورشید یعنی دل پر آتش
سمن‌بر غافل از نظاره شاه — که سنبل بسته بد بر نرگسش راه
چو ماه آمد برون از ابر مشگین — به شاهنشه در آمد چشم شیرین
ز شرم چشم او در چشمه آب — همی لرزی چون در چشمه مهتاب
جز این چاره ندید آن چشمه قند — که گیسو را چو شب بر مه پراکند
عبیر افشاند بر ماه شب افروز — به شب خورشید می‌پوشید در روز
سوادی بر تن سیمین زد از بیم — که خوش باشد سواد نقش بر سیم
دل خسرو بر آن تابنده مهتاب — چنان چون زر درآمیزد به سیماب

(نظامی گنجه‌ای،۱۳۱۳: ۸۱-۸۲)

از آنجا که شعر بر بنیاد زبان تازه احساس پرشور و نگرش نو استوار می‌گردد در تمام منظومه‌های غنایی ادبیات فارسی ،زیبا و دلکش‌تر از منظومه‌ی خسرو شیرین یافت نخواهد شد هم در آن منظومه نیز«نگاره شعر» چنین زنده و عریان کم‌تر می‌توان یافت.

الف)سطح زبان

از منظر زبان ،ترکیب‌های تازه‌ای چون : ماه مهیّا،آیینه‌ی سیماب داده،ماه سیماب زاده،در گل مغز بادام ،بنفشه بر سر گل دان کردن،گنج کیمیاسنج،ز بستان نار پستان در گشاده،نار شیرین‌کار،از راه گشتن آفتاب،بر آب مروارید بستن،کوه برفین تاب دادن،راه بستن سنبل بر نرگس،چشمه‌ی قند،به شب خورشید در روز پوشیدن ،عبیر بر ما افشاندن،سواد بر تن سیمین زدن،زر به سیماب درآمیختن.

گزافه نیست که نظامی را یکی از برترین واژه و ترکیب آفرینان زبان فارسی دانسته‌اند که بر غنای زبان ما افزوده است.

از دیدگاه هنر زبان ،تشبیه،استعاره،مجاز،کنایه با اشکال مختلف آن‌ها در این تابلو شعر غوغا می‌کند برای نمونه به چند مورد از استعاره-های این پیکره‌ی ادبی اشاره می‌رود:آیینه‌ی سیماب داده،گل بادام،مغز بادام،نار شیرین‌کار،ماه،آفتاب،بلور دلکش،سنبل،نرگس،ابر مشکین،چشمه‌ی قند،عبیر،ماه شب افروز،شب، خورشید.

زنده بودن و پویایی واژگان و اشیاء که سبب بیرون آمدن شعر از انجماد می‌شود نیز در این نگاره به چشم می‌خورد چونان:گل کردن چشمه،سخن گفتن بناگوش،کیمیاسنجی گنج،بازی زلف،از راه افتادن آفتاب،مروارید بر آب بستن فلک،راه بستن سنبل بر نرگس،لرزیدن مهتاب و انفجار دل در ترکیب آمیختن زر به سیماب. با آنکه نظامی ساکن گنجه بوده و مردم آن سرزمین زبانی آذری داشته‌اند زبان فارسی نظامی چونان زبان خاقانی بسیار نیرومند و پرتوان می‌باشد.

ب)سطح درونمایه

از منظر احساس و بینش شاعرانه،منظومه‌ی خسروشیرین و به ویژه نگاره شعر آبتنی شیرین در چشمه از زاویه دید دانای کل که سوم شخص داستان است بیان می‌شود .بنابراین نظامی در عین حال که مراتب احساس و رفتار اول شخص یعنی شیرین و دوم شخص یعنی خسرو را به نمایش گذاشته در حقیقت احساس خود را هم به آن درآمیخته،در حالی که اول شخص این صحنه از داستان زن بوده و نظامی مرد می‌باشد.بیان احسااس یک زن از زبان و قلم دانای کل که مرد است نمی‌تواند صد در صد آن چیزی باشد که از طرف خود شخص اول یعنی زن که شیرین باشد ارائه می‌گردد.

لذا با آنکه نظامی در شرایطی بسیار ویژه از نظر پردازش این صحنه‌ی غنایی قرار دارد و به خوبی از پس ارائه‌ی آن برمی‌آید ولی نمی‌توان به طور کامل آن گرمایی را داشته باشد که در درون شیرین می‌گذرد.یعنی نظامی حالت‌های زنانه را می‌بیند و به نیروی توانمندی‌هایی که در زبان دارد آن حالت‌ها و دل‌ربایی‌ها را بیان می‌کند.تشبیهات و استعاره‌ها و عموماً هنر «بیان» تابلو شعر او را رنگ-آمیزی می‌کند. پیداست که دانای کل دستی بر آتش دارد و خود درون آتش نیست.

۲-۳-بخش دوم-آبتنی

لخت شدم تا در آن هوای دل‌انگیز	پیکر خود را به آب چشمه بشویم
وسوسه می‌ریخت بر دلم شب خاموش	تا غم دل را به گوش چشمه بگویم
آب خنک بود و موجهای درخشان	ناله‌کنان گرد من به شوق خزیدند
گویی با دست‌های نرم و بلورین	جان و تنم را بسوی خویش کشیدند
بادی از آن دورها وزید و شتابان	دامنی از گل بروی گیسوی من ریخت
عطر دلاویز و تند پونه وحشی	از نفس باد در مشام من آویخت
چشم فرو بستم و خموش و سبکروح	تن به علف‌های نرم و تازه فشردم
همچو زنی کو غنوده در بر معشوق	یکسره خود را به دست چشمه سپردم

روی دو ساقم لبان مرتعش آب　　بوسه زن و بی قرار و تشنه و تبدار

ناگه در هم خزید ... راضی و سرمست　　جسم من و روح چشمه سار گنهکار

(فروغ فرخزاد،۱۳۵۲: ۵۵و۵۶)

الف)باور نمی‌کنم در میان سرایندگان از طایفه زنان کسی تاکنون در ادب فارسی با زبانی به این نرمی چونان حریر و گرمی چونان روزهای آخر تابستان،تابلو شعری نگاشته باشد.از دیدگاه زبان،این نگاره دارای واژگان روان با کاربرد امروزی و دور از واژه و سازه‌های آن چنانی که فهم زبان را کمی دشوار می‌کند است بیشتر واژگان و ترکیب‌های وصفی آسان فارسی در آن دیده می‌شود و یک دست و هموار می‌نماید.

چشمگیرترین لایه‌ی زبانی او هنر«بیان» در تشخّص بخشیدن به اجسام و به قول اهل فن ،کاربرد استعاره‌ی مکنیه و تخییلیه است همچون:وسوسه‌ریزی شب خاموش،شنوایی گوش چشمه،ناله و شوق خزیدن موجها،دست‌های نرم و بلورین امواج که جان و تن فروغ را به سوی خودشان می‌کشند،باد شتابان که دامن گل به روی گیسو می‌ریزد ،پونه‌های وحشی‌نفس باد،آویختن عطر در مشام،دست چشمه،لبان مرتعش آب که بوسه‌زن و بیقرار و تشنه و تبدار،خزیدن روح چشمه‌ی گنهکار در آدمی و راضی و سرمست شدن جسم او.روی هم رفته تراکم آرایه‌های ادبی در آن زیاد نیست.

شعر قالبی تازه با نام (چهار پاره یا چهار لختی)دارد که پیدایش آن مربوط به صد سال اخیر در ادب فارسی است. بحر آن ،منسرح مثمّن مطوی منحور و مجدوع می‌باشد.

ب)سطح درون‌مایه

زاویه دید راوی در این نگاره آن‌چنان است که شخص اول و دانای کل (سوم شخص)درهم آمیخته و یکی شده‌است،فروغ راوی دل خود است نه دیگران.سخنی است که از دل برمی‌آید لذا آسان‌تر بر دل می‌نشیند.دلیل آن هم پیداست،چون یک زن حالات زنانه‌ی خود را بیان می‌کند نه یک مرد .لذا احساس غنایی ناب همراه صراحت لهجه در آن موج می‌زند.امتیاز فرخزاد در آن است که او مستقیم احساس خود را بیان می‌کند نه احساس دیگری را و این همان چیزی است که گفته می‌شود: مادر را دل سوزد و دایه را دامن. هرگز احساس دانای کل نمی‌تواند آن چیزی باشد که در شخص اول وجود دارد.نکته شایسته‌ی توجّه آن است که آنچه فروغ می‌گوید:تحت تاثیر فرهنگ غربی است نه فرهنگ اسلامی،به ویژه که آبتنی او در شب با واژه‌ی(لخت شدم)شروع می‌شود.

۳-۳-نتیجه

هر دو نگاره مربوط به یک موضوع،و در رابطه‌ی زن‌هاست.هر دو غنایی ناب،یکی به سبک سده‌ی ششم هجری و دیگری به سبک شعر سده‌ی چهاردهم شمسی.ولی هیچگونه احتمال ارتباط زبانی و ساختاری میان آنها وجود ندراد تا بتوان به ضرس قاطع حکم به تاثیرپذیری بینامتنی فروغ فرخزاد صادر کرد تنها واژه‌ی مشترکی که در هر دو تابلو شعر وجود دارد واژه‌ی چشمه است و از زاویه محتوی نیز «شستشوی شیرین در چشمه» با«آبتنی» در چشمه‌ی فروغ یکی به نظر می‌رسد که هر دو یک موضوع دارد.

نمایه منابع و مآخذ

قرآن مجید

حقوقی،محمد،۱۳۶۸،شعر و شاعران،چاپ اول،انتشارات مروارید،تهران.

شفیعی کدکنی،محمدرضا، ۱۳۹۰،با چراغ و آیینه،چاپ اول،انتشارات سخن،تهران.

صفاء،ذبیح الله،۱۳۴۷،تاریخ ادبیات در ایران،ج۲،چاپ اول،انتشارات ابن سینا،تهران.

فرخزاد،فروغ،۱۳۵۲،دیوار،چاپ پنجم،انتشارات امیرکبیر،تهران.

مرادی کوچی،شهناز،۱۳۷۹،شناخت‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر،ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی،چاپ پنجم،انتشارات آگه،تهران.

نظامی گنجه‌ای،الیاس،۱۳۱۳،خسروشیرین،تصحیح وحید دستگردی،انتشارات علی اکبر علمی،تهران.

همایی،جلال الدّین،۱۳۶۱،فنون بلاغت و صناعات ادبی،ج۲،چاپ دوم،انتشارات توس،تهران.